

بررسی انتقادی مراحل تدرج مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری «با نگاهی بر نظام حقوقی فرانسه»

محمد سعید شفیعی^۱

چکیده :

در قلمرو حقوق کیفری، فرایند انتقال فرد از عدم مسئولیت کیفری تام به مسئولیت جزایی تام مستلزم تعیین مراحل است که از آن به عنوان مسئولیت کیفری تدریجی یاد می شود. براساس مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با درجه بندی تدابیر غیر کیفری و کیفری بر پایه معیار سن در جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان، مراحل تدریجی مسئولیت کیفری پیش بینی و با امتناع از تمسک به واکنش های کیفری سرکوبگر تا حدی اقدامات قضائی بر جامعه پذیری این افراد معطوف گردیده است. پذیرش نظام تدریجی در جرایم تعزیری علی رغم از میان برداشتن تفکیک جنسیتی و امکان اعمال واکنش های متناسب با سن و نوع جرم ارتكابی با نارسائی های چندی روبروست. عدم تسری تدابیر نظارتی و حمایتی به افراد زیر ۹ سال به استناد مفهوم صدر ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در باب مسئولیت کیفری و محدودیت های استفاده از پاسخ های ترمیمی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، اختیار مقام قضائی در تعیین روش آزادی با مراقبت و عدم جامعیت تدابیر موضوع ماده ۸۹ از حیث تعمیم نیافتن تدابیر موضوع ماده ۸۸ قانون به جرائم سبک گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال در زمینه پاسخ دهی به بزهکاری این افراد از جمله مواردی هستند که موجبات عدم دست یابی مطلق به رویکرد افتراقی در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ناظر به اطفال و نوجوانان را فراهم می نماید. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و نگرشی بر نظام حقوقی فرانسه با ارائه مولفه هایی، ضرورت اتخاذ تدابیر غیر کیفری بر افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری، توسعه قلمرو پاسخ دهی ترمیمی و لزوم استفاده از روش آزادی با مراقبت در صورت سپردن به خانواده را همانند قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ فرانسه مورد توجه قرار داده و با بررسی انتقادی هریک از این ابهامات سعی در ارائه سیاست جنایی تقنینی کارآمد در قبال این افراد می نماید.

کلیدواژه: اطفال و نوجوانان، مسئولیت کیفری تدریجی، جرایم تعزیری، قانون مجازات اسلامی، حقوق کیفری فرانسه

به موجب مطالعات جرم شناختی و حقوق بشری، اطفال و نوجوانان دارای ویژگی های خاصی هستند که مستلزم اتخاذ رویکرد افتراقی در سیاست جنایی قانونگذار نسبت به بزهکاری آنان می باشد.^۲ این ویژگی ها به جنبه های جامعه شناختی، زیست شناختی و روان شناختی آنان از جمله تغییرات فیزیولوژیکی و تحولات روان شناختی دوران بلوغ و تکامل شخصیت فردی و اجتماعی معطوف است. نظام حقوقی ایران سیاست منطقی و یکنواختی را در این زمینه در پیش نگرفته و در هر برهه زمانی بدون توجه به نیازهای اجتماعی، زیست شناختی و روان شناختی اطفال و نوجوانان، مقرراتی در زمینه حقوق کیفری ماهوی این افراد وضع نموده است. این مقررات یا همانند قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸ علی رغم وجود جلوه هایی از دستاوردهای علمی، بدون توجه به امکانات عملی و ظرفیت های اجرائی مقرراتی را پیش بینی نموده که در عمل اجرای آن ها امکان پذیر نبوده و یا مثل قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با رویگردانی از دستاوردهای علمی، واقعیت های اجتماعی و عدم توجه به اسناد بین المللی مسیری را در پیش گرفته که مولفه های رویکرد افتراقی را به فراموشی سپرده است.^۳ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مسئولیت کیفری از نوع جهشی یا دفعی بود و افراد با رسیدن به سن بلوغ شرعی (۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری به ترتیب برای دختران و پسران) که به عنوان سن مسئولیت کیفری مطلق تعیین شده بود، وارد فضای مسئولیت کامل کیفری می شدند. از طرف دیگر با پیش بینی تدابیر تربیتی محض یعنی سپردن به سرپرست اطفال بدون متعهد ساختن سرپرست در تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بدون تعیین محدوده زمانی به استناد ماده ۴۹ قانون مذکور اتخاذ برخی تصمیمات قضائی از جمله واکنش های حمایتی، اجتماعی و اصلاحی و یا پاسخ های ترمیمی که رویکرد متفاوت با رویکرد سنتی در مبارزه با بزهکاری اطفال و نوجوانان را مورد توجه قرار می دهد، با مشکل قانونی مواجه بود. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بر خلاف قانون پیشین حرکت به سوی احیای رویکرد افتراقی در زمینه مسئولیت کیفری و نظام پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان تا حدی مورد توجه قرار گرفته و با حذف مسئولیت کیفری دفعی به استناد مواد ۸۸ و ۸۹ و پذیرش نظام تدریجی در تعیین سن مسئولیت کیفری که با روند رشد اطفال و نوجوانان و میزان قدرت تمیز آنان هماهنگی دارد، به نسبت سن تمیز امکان اتخاذ واکنش های متناسب اعم از کیفری و غیرکیفری فراهم گردیده است. براین اساس، پیش بینی مراحل تدرج مسئولیت کیفری در جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، از یک سو به دلیل کاستی های قانون سابق و از سوی دیگر تحت تأثیر معیارهای بین المللی و دستاورد های حاصل از مطالعات تطبیقی در حوزه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بوده است. این مقاله ضمن بررسی انتقادی مراحل تدرج مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرائم تعزیری، تغییرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین کیفری ماهوی سابق را مورد مطالعه قرار می دهد و با نگرشی تطبیقی به نظام حقوقی فرانسه، نارسائی های سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه مسئولیت کیفری و شیوه های پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان را تبیین می نماید. بدین ترتیب، این مقاله در دو قسمت سامان داده شده است. قسمت اول به بیان مولفه های امکان اعمال تدابیر غیرکیفری بر افراد زیر سن مسئولیت کیفری می پردازد. قسمت دوم نیز با هدف دست یابی به پاسخی فایده گرا و بازپرورانه بر شیوه های پاسخ دهی مناسب نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان تمرکز دارد.

۱- امکان اعمال تدابیر غیرکیفری بر افراد زیر سن مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری از لحاظ ماهیت به تام یا ناقص و از جهت سیر به تدریجی و جهشی تقسیم می گردد. تبعیت از شیوه تدریجی در تحقق مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مرز میان حداقل مسئولیت کیفری و سن بلوغ

^۲ - لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰.
^۳ - به موجب ماده ۱ این قانون، تشکیل دادگاه اطفال منوط به ایجاد کانون اصلاح و تربیت شده بود. بنابراین به علت عدم تشکیل کانون اصلاح و تربیت جز در برخی شهر های محدود در سال ۱۳۴۷، نهایتاً این قانون، قابلیت اجرایی نیافت. از سوی دیگر ایجاد مرجع قضایی اختصاصی اطفال که یکی از مهمترین نوآوری های این قانون در زمینه حقوق کیفری شکلی اطفال محسوب می شد، چندین سال بعد و در سال ۱۳۴۵ ایجاد شد.

کیفری را از هم تفکیک نموده و ایراد اساسی به نظام تقنینی ایران در زمینه فقدان مرحله بینابینی را تا حدی رفع نموده است.^۴ آئینک باید به این نکته توجه داشت که پذیرش حداقل سن مسئولیت کیفری ۹ سال به صورت مطلق به استناد صدر ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نشانگر عدم امکان اعمال تدابیر نظارتی بر افراد زیر سن مسئولیت کیفری نیست. در این قسمت جنبه های مختلف جواز اعمال تدابیر بازپرورانه نسبت به افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری در مقایسه با نظام حقوقی فرانسه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱- امکان شمول قوانین جزائی بر نابالغ بر مبنای نظریه اهلیت جنایی

هر چند «امر و نهی قانونگذار متوجه کسی می شود که هم قادر به فهم و درک تکلیف باشد و هم از قدرت ایفای تکلیف برخوردار باشد»^۵ اما این امر به طور مطلق مستلزم این نیست که اطفال زیر سن مسئولیت کیفری از شمول تکالیف جزائی خارج شده و رفتار آنان به هیچ عنوان ارزش جزائی نداشته باشد. اطفال موجوداتی قابل خطاب و امر و نهی تلقی می شوند و همین که از سوی سایر افراد قابل خطاب و امر و نهی هستند، این امکان را به مقنن می دهد تا بتواند آنها را در شمول تکالیف خود قرار دهد. بدین سان، توانایی کامل در فهم و ادای تکالیف، شرط شمول قوانین جزائی محسوب نمی شود و اصل وجود این توانایی و قدرت حداقلی لازم کفایت می نماید.^۶ با تدقیق در برخی مواد قانونی نیز می توان دریافت که قانونگذار برای رفتار افراد نابالغ که در قالب عناوین مجرمانه نمود عینی می یابد نیز ارزش جزائی قائل گردیده است. مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد...»^۷ مفهوم این ماده این است که اگر فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار نباشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. پس به نوعی می توان دریافت که «ارتکاب جرم» توسط غیربالغ (طفل) امکان دارد و زمانی که طفل به عنوان «مرتکب جرم» پذیرفته می شود، بدین مفهوم است که در قلمرو امر و نهی جزائی قرار گرفته و با معافیت از مسئولیت کیفری، امکان اعمال تدابیر غیرکیفری برای این افراد وجود دارد. این مسئله را می توان از دیدگاه اهلیت جنایی یا اهلیت ارتکاب جرم مورد بررسی قرار داد. حدوث اهلیت جنایی در گرو تحقق شرایطی (درک و اراده) در یک انسان است تا از نظر قانونی بتوان وی را مرتکب جرم نامید. به عبارت دیگر برای انتساب عمل مجرمانه به فرد باید داشتن دو توانایی متمیز (درک) و اراده انجام عمل احراز شود.^۸ همانطور که گفته شد اصل توانایی طفل به جای توانایی کامل در فهم و انجام تکلیف به عنوان شرط شمول مقررات کیفری کفایت نموده و می توان دریافت که اطفال از اهلیت ارتکاب جرم یا اهلیت جنایی برخوردار بوده و می توانند در دایره مقررات جزائی قرار بگیرند. با این حال، به صرف امکان انتساب عمل مجرمانه به فرد، نمی توان وی را از لحاظ کیفری مسئول دانست. اهلیت کیفری در مقابل اهلیت جنایی قرار دارد. اهلیت کیفری را می توان به قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات جزایی اعمال خود تعریف نمود. اطفال هرچند از اهلیت ارتکاب جرم (اهلیت جنایی) برخوردارند، اما به دلیل فقدان اهلیت کیفری نمی توان کیفر در معنای خاص را برای آنان در نظر

۱- حداقل سن مسئولیت کیفری یا سن مسئولیت کیفری نسبی یعنی سنی که اطفال تا حدی از توانمندی ذهنی پذیرش مسئولیت کیفری برخوردار بوده و تابع حقوق کیفری ویژه اطفال قرار می گیرند. اما سن بلوغ کیفری یا سن مسئولیت کیفری مطلق (تام) یعنی سنی که بزهکار در آن، بزرگسال تلقی شده و به طور تام مشمول حقوق جزا و مسئولیت کیفری کامل قرار می گیرد. ر.ک: تدین، عباس، سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنش های اجتماعی در برابر بزهکاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران، در: مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی و کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، معاونت آموزش، پلیس پیشگیری و معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲؛

Cipriani, Don, **Children is Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective**, Ash gate Publishing Limited, London, 2009, p.14.

۵- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷.

۶- میرسعیدی، منصور، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، جلد اول، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۵۳.

۴- ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در این باره مقرر داشته بود: «اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند». در این ماده طفل به عنوان مرتکب جرم در نظر گرفته شده و رفتار مجرمانه اطفال در قلمرو امر و نهی جزایی قرار گرفته بود.

۸- جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۶۸.

گرفت. براین اساس، ارتکاب رفتار مجرمانه از طفل هرچند موجب مجازات نخواهد شد اما از امکان قانونی اعمال تدابیر غیر کیفری در مورد این افراد نمی توان چشم پوشید. برخوردار بودن طفل از اهلیت جنایی امکان پیش بینی نظام مسئولیت و صدور تدابیر و احکام نظارتی و حمایتی را برای اطفال فراهم می کند.^۹

۱-۲- عدم تعارض مفاهیم حداقل سن و زیرسن مسئولیت کیفری از حیث پاسخ دهی غیر کیفری

تعیین سن آغاز مسئولیت کیفری یعنی حداقل سنی که اطفال بتوانند مورد محاکمه کیفری قرار گرفته و تابع حقوق کیفری ویژه اطفال گردند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. ضرورت تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری تا حدی است که در اسناد بین المللی خاص کودک نیز بدان اشاره شده است. کنوانسیون حقوق کودک به عنوان مهم ترین سند هنجارساز در زمینه حقوق کودکان^{۱۰} که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن پیوست، در بند الف ۳ ماده ۴۰، دول عضو را تشویق به تعیین حداقل سنی می نماید که اطفال کمتر از آن سن را نمی توان دارای مسئولیت کیفری دانست. قطع نامه نهایی انجمن بین المللی حقوق جزا در این زمینه مقرر کرده که قانونگذار باید حداقل سنی را تعیین کند که قبل از آن مرحله، امکان اعمال سیستم جزایی ویژه نسبت به اطفال وجود داشته باشد.^{۱۱} براین اساس، امکان اعمال رویکرد قضائی ویژه نسبت به افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری خود بیانگر جواز اعمال تدابیر غیر کیفری در قبال اطفال زیر سن شروع مسئولیت کیفری در این قطع نامه استبراساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، معیار سنی ۹ سال تمام شمسی به عنوان سن شروع مسئولیت کیفری مورد پیش بینی قرار گرفته است که تا سن ۱۸ سال تمام شمسی بدون تبعیض جنسیتی و به صورت تدریجی تکمیل می گردد. در نظام تدریجی، مولفه هایی که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری متمایز از سن بلوغ کیفری را توجیه می نمایند، ایجاد یک مرحله بینابینی و پیش بینی حقوق کیفری شکلی ویژه اطفال و نوجوانان بوده و این امر، نیز مغایرتی با جواز پذیرش رویکرد غیر کیفری و حمایتی بر افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری ندارد. ایجاد مرحله افتراقی و بینابینی از یک سو امکان اتخاذ تدابیر غیر کیفری را میسر می نماید و از سوی دیگر باعث می شود که اطفال پس از رسیدن به سن مسئولیت کیفری تابع نظام دادرسی بزرگسالان نگردند و صرفاً در این مرحله است که دادرسی افتراقی و ویژه صغار معنا می یابد. تبصره ۱ ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ مقرر می داشت: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». بر این اساس، تمیهدات قانونی خاص و افتراقی از جمله غیر علنی بودن دادرسی، لزوم حضور ولی یا وکیل در تمامی جرائم و غیره تنها برای رسیدگی به جرایم افراد نابالغ (طفل) اثربخش بود. در حالی که پیش بینی دادرسی افتراقی در مورد افراد نابالغ که مبری از مسئولیت کیفری بودند، ضرورتی نداشت. زیرا این افراد به موجب ماده ۴۹ قانون سابق فاقد مسئولیت کیفری بودند و لذا دادرسی افتراقی تنها بایستی ناظر به افرادی می شد که دارای مسئولیت کیفری تدریجی و نسبی هستند. بدین ترتیب، تا نظام مسئولیت تدریجی و نسبی بودن مسئولیت کیفری در مورد افراد زیر ۱۸ سال پذیرفته نمی شد، صرف مقررات شکلی نمی توانست نظام حقوقی را از مزایای دادرسی افتراقی بهره مند نماید. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ به استناد تبصره ۲ ماده ۳۰۴، مقررات عمومی ناظر به ارتکاب جرم توسط بزرگسالان در مورد افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی جاری نبوده و با ایجاد مرحله بینابینی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری و بلوغ کیفری در قانون مجازات اسلامی، نوجوانان مشمول مقررات دادرسی متمایز از افراد

۲ - افزون بر موضوع اهلیت جنایی، تحقق رکن روانی در اطفال زیر ۹ سال مولفه دیگری است که امکان اعمال پاسخ های غیر کیفری بر این افراد را هموار می سازد. با پذیرش نظریه اهلیت جنایی در تحقق مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران، طفل از قابلیت ارتکاب جرم برخوردار است، اما به دلیل فقدان مسئولیت کیفری مجازات نمی شود. ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی موید همین امر است. طبق این ماده: «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.» این بدان معناست که این گروه سنی نیز همانند افراد بالای ۹ سال از عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم برخوردارند، لیکن به دلیل فقدان توانایی بر مدیریت و کنترل رفتارهای خود قابل مجازات نمی باشند.

۱۰ - نیازپور، امیرحسین، گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷

۱۱ - معاونت حقوقی قوه قضائیه، گزیده اسناد بین المللی حقوق کودک، ترجمه ی وحید هدایتی، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۵۱؛ عباسی کلیمانی، عاطفه، حقوق کودک در نظام حقوقی ایران، میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۸۵.

بالغ بالای ۱۸ سال گردیده اند که این امر خود با پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی در حوزه حقوق کیفری ماهوی هماهنگ است.^{۱۲} هرچند در برداشت ابتدایی از مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری ممکن است این گونه به نظر برسد که با تعیین سن شروع مسئولیت کیفری، پذیرش رویکرد پاسخ دهی نظارتی بر افراد زیر سن مسئولیت کیفری منتفی است، اما با توجه به عوامل و مولفه های تعیین حداقل سن مسئولیت (وجود مرحله بینابینی و ایجاد آیین دادرسی افتراقی) می توان گفت امکان اتخاذ تدابیر نظارتی و حمایتی غیر کیفری بر افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری هیچ گونه تداخلی با اصل پذیرش مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری ندارد و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صرفاً با پذیرش سن خاصی به عنوان سن شروع مسئولیت کیفری در جرائم تعزیری، مرحله ی مسئولیت کیفری تخفیف یافته را پیش بینی نموده که علاوه بر توجه به تدریجی بودن کمال رشد، شدت و ماهیت واکنش های اجتماعی متمایزی نسبت به پاسخ دهی کیفری بزرگسالان را مورد تأکید قرار داده است.

۱-۳- امکان تسری تدابیر غیرکیفری به افراد کمتر از ۱۳ سال در قوانین فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، رهایی طفل از محکومیت جزائی ناشی از این است که از نظر جزائی مسئول شناخته نمی شود. با وجود این، عدم مسئولیت کیفری اطفال مانع اجرای تدابیر تربیتی نیست. بر اساس ماده ۸-۱۲۲ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ (لازم الاجرا در سال ۱۹۹۴)، فرض عدم مسئولیت کیفری اطفال زیر ۱۳ سال به عنوان اصل غیرقابل نقض و مطلق به رسمیت شناخته شده است. بدین سان، صدور ضمانت اجرای کیفری به استناد ماده مذکور، فقط در مورد اطفال بیش از ۱۳ سال پیش بینی شده است، اما اطفال کمتر از این سن نیز می توانند موضوع تدابیر حمایتی، معاضدتی، نظارتی و تربیتی قرار گیرند.^{۱۳} ایجاد حقوق کیفری ویژه اطفال و نوجوانان مستلزم تطبیق سن مسئولیت کیفری با سن بلوغ کیفری یعنی ۱۸ سال است. با این حال، هنگامی که اوضاع و احوال و شخصیت طفل بزهکار لزوم اتخاذ تدابیر نظارتی بر افراد زیر ۱۳ را توجیه نماید، این افراد نیز تحت حمایت قضائی قرار می گیرند. در نظام حقوقی فرانسه یکی از تصمیم های قضائی درباره افراد زیر ۱۸ سال، صدور حکم به تدابیر تربیتی از جمله اخطار، هشدار، آزادی تحت نظر و یا اقدام به جبران خسارت از یزه دیده در چهارچوب عدالت ترمیمی است که درباره افراد زیر ۱۰ سال همانند افراد بالای ۱۰ سال قابلیت اعمال دارد.^{۱۴} بنابراین علی رغم تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال به استناد ماده ۸-۱۲۲ قانون جزای فرانسه، کودکان زیر ۱۰ سال با ارتکاب جرم در برابر قاضی دادگاه اطفال حضور یافته و ملزم به رعایت تصمیمات قضائی (حمایتی، نظارتی، تربیتی) می باشند. از جمله دلایل امکان اعمال تدابیر نظارتی و حمایتی بر افراد فاقد مسئولیت کیفری در نظام حقوقی فرانسه، ترجیح و تغلیب رویکرد ناظر بر توجه به حالت خطرناک طفل فاقد مسئولیت کیفری بر رویکرد ناشی از توجه صرف به موضوع عدم مسئولیت کیفری طفل است. در واقع هر گونه تصمیم قضائی اصلاحی و نظارتی بایستی به حالت خطرناک طفل توجه نمود نه صرف عدم مسئولیت کیفری اطفال زیر سن مسئولیت کیفری.^{۱۵} این رویکرد در

^۱ - از جمله شیوه های تضمین حقوق نوجوانان متهم که متفاوت از مقررات افراد بالای ۱۸ سال است، می توان به لزوم تعیین وکیل برای اطفال و نوجوانان در جرائم سنگین به استناد ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، غیرعلنی بودن رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۸ سال در ماده ۴۱۳ قانون مذکور اشاره نمود. این در حالی است که در قانون پیشین تمامی امتیازات دادرسی مذکور مختص اطفال بوده و به نوجوانان تعمیم نیافته بود.

^{۱۳} - موسوی بجنوردی، محمد و دیگران، مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با کوانسیون حقوق کودک، نامه الهیات، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹؛ کاستلند، ژوسلین، مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، در: مجموعه مقالات همایش حقوق اطفال، ترجمه ی شهرام ابراهیمی، انتشارات سنا، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱.

^۲ - Urbas, Gregor, **the age of criminal responsibility**, Australian Institute Of Criminology, 2000, pp.2-6 ; French legal system, **Juvenile delinquents**, Ministry of Justice, 2012, p. 11.

^۳ - نگاهی دقیق به مطالعات انجام شده درباره بزهکاری اطفال نشانگر این است که علی رغم شناسایی عدم مسئولیت کیفری اطفال و تعیین ضمانت اجراهای خفیف برای آنان، رشد بزهکاری آنان متوقف نشده و به صورت یک آفت اجتماعی رخ نموده است. رک: نجفی توانا، علی، جرم شناسی، آموزش و سنجش، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲. پذیرش رویکرد سستی به مسأله مسئولیت کیفری اطفال و عدم توجه به رویکرد بازپذیری اجتماعی از جمله عوامل افزایش بزهکاری اطفال تلقی می گردد. بدین سان، یکی از مواردی که می تواند به اتخاذ تصمیم متناسب با هدف اصلاح و حمایت طفل

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مورد توجه قرار گرفته بود. ماده ۳۴ این قانون مقرر می داشت: «...در امور جزایی هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد حکم غیرمتمیز را دارد. در صورتی که اطفال غیرمتمیز غیر بالغ مرتکب جرمی^{۱۶} شوند باید به اولیاء خود تسلیم گردند با التزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آن ها.» مطابق این ماده، علی رغم تعیین سن ۱۲ سال به عنوان «سن تمییز»، تسلیم به خانواده با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل زیر ۱۲ سال در صورت ارتکاب جرم پیش بینی شده بود. در واقع، فقدان مسئولیت افراد زیر سن شروع مسئولیت کیفری از نظر نظام حقوقی فرانسه و سابقه حقوق کیفری ایران دلیل بر عدم پذیرش واکنش اجتماعی حمایتی و نظارتی علیه کودکی که مرتکب جرمی شده نبوده و لذا سهل انگاری در قبال رفتارهای ضداجتماعی و خطرناک این افراد که در برخی موارد تکرار رفتار مجرمانه را در پی دارد، جایز تلقی نمی شد.

۲- رویکرد پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در عدالت کیفری ایران

طرز اجرای روشهای مراقبتی و هدایتی در محیط آزاد و اتخاذ شیوه پاسخ دهی مناسب از دیگر مولفه های حقوق کیفری ماهوی اطفال و نوجوانان به شمار می رود که با تأکید بر محوریت مصلحت اطفال و ترجیح پاسخ های غیرسالب آزادی از جمله تسلیم به خانواده بر پاسخ های سالب آزادی، دست یابی به سیاست جنایی کارآمد برای پاسخگویی به بزهکاری این افراد را فراهم می نماید. علی رغم آن که به استناد ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دست یابی به پاسخی بازپرورانه و فایده گرا در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان تا حد زیادی به فراموشی سپرده شده بود و حتی امکان تنبیه بدنی اطفال بزهکار بر اساس بند ۲ ماده مذکور به عنوان یک واکنش سزاگرایانه و تنبیهی مورد پیش بینی قرار گرفته بود، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با الغای پاسخ های بدنی و سزاگرایانه در پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان و همچنین تنوع بخشی واکنش های اجتماعی به تناسب نوع جرم ارتكابی و گروه سنی مرتکبان جرم، به سمت رویکرد فایده گرایانه و بازاجتماعی کننده پیش رفته است. اما عدم پیش بینی برخی پاسخ های حمایتی و ترمیمی و عدم جامعیت ضمانت اجراهای غیرسالب آزادی نسبت به تمامی افراد زیر ۱۸ سال در قانون جدید مجازات اسلامی از جمله مواردی هستند که دست یابی به رویکرد اثراقی و ویژه در قلمرو سیاست جنایی تقیینی ناظر به اطفال و نوجوانان را با مشکل مواجه می نماید.

۲-۱- محدودیت اعمال پاسخ های ترمیمی در جرائم اطفال و نوجوانان

پاسخ های ترمیمی با تقویت حس مسئولیت پذیری و احساس شرم طفل و نوجوان بزهکار، موجبات بازگشت به جامعه را تسهیل و از متضرر شدن آنان در فرایند نظام عدالت کیفری ممانعت می نماید. ضرورت اجتناب از برچسب زنی، جلوگیری از شکل گیری شخصیت مجرمانه و مزمن شدن بزهکاری در اطفال و نوجوانان بزهکار موجب گردیده که سیستم های مختلف حقوقی از جمله نیوزلند، استرالیا، فرانسه و... استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار را جایگزین رسیدگی رسمی نموده و اعمال برنامه های عدالت ترمیمی را در مراحل مختلف رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و بدون اعمال محدودیت از نظر نوع جرم ارتكابی پیش بینی کنند. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار سیاست جنایی خاصی را در خصوص ترمیمی کردن عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بزهکار اتخاذ نکرده و از پیش بینی پاسخ های ترمیمی به عنوان یکی از تدابیر غیر کیفری برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی اجتناب کرده است. لیکن جهت احیای رویکرد ترمیمی در نظام رسیدگی به جرائم این افراد براساس مقررات ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴، امکان استفاده از پاسخ ها

بزهکار منتهی گردد، شناسایی حالت خطرناک این افراد بدون توجه به مساله مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری و در نتیجه اتخاذ روش پاسخ دهی مقتضی است.

^{۱۶} چون لفظ «جرمی» در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به طور مطلق ذکر شده بود، شامل جنایت، جنحه و خلاف می شد. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی (جرم و مسئولیت)، جلد اول، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۱۷۱. بنابراین به منظور اتخاذ واکنشی غیر کیفری برای این گروه سنی، تسلیم آنان به اولیای خود با تعهد به تأدیب و تربیت به عنوان ضمانت اجرای ارتكاب هر یک از این سه نوع جرم از طرف صغار زیر حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین شده بود.

و برنامه های عدالت ترمیمی از جمله میانجی گری کیفری را بدون تفکیک جرائم اطفال و نوجوانان از بزرگسالان پیش بینی نموده است.^{۱۷} مقنن بر خلاف ماده ۱۶ و ۳۰ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان ۱۳۸۳^{۱۸} که با قابل گذشت تلقی کردن تمامی جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان، امکان ارجاع به فرایند میانجی گری را در تمامی مراحل دادرسی و در تمامی جرائم این افراد پیش بینی نموده بود، در ماده ۸۲ قانون جدید رویکرد ترمیمی ویژه ای از نظر توسعه قلمرو جرایم قابل میانجی گری در نظام دادرسی اطفال و نوجوانان اتخاذ نموده و تنها برای جرایم درجه شش تا هشت که مجازات آنها قابل تعلیق باشند، امکان احاله پرونده کیفری به فرایند میانجی گری را پیش بینی نموده است. از سوی دیگر در این ماده میان برنامه های مختلف عدالت ترمیمی در ارتباط با جرائم اطفال و نوجوانان، از جمله (میانجی گری کیفری^{۱۹}، نشستهای خانوادگی^{۲۰}، برنامه های صلح و سازش و...) صرفاً میانجی گری کیفری و صلح و سازش به رسمیت شناخته شده است. روش نشست های خانوادگی که مبتنی بر نظریه شرمنده سازی با اجتماعی^{۲۱} کننده است،^{۲۲} با فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت اشخاص ذی نفع در جرم و با ایجاد احساس ندامت و شرمندگی که به علت ویژگی شخصیتی و ظرایف روحی این افراد، سریعتر در طفل و نوجوان بروز می کند، زمینه را برای اصلاح و باز اجتماعی شدن فراهم می نماید. لیکن برنامه میانجی گری کیفری که فرایندی سه طرفه است و بر اساس توافق قبلی شاکی و متهم با حضور شخص ثالثی به نام میانجی گر به منظور حل و فصل اختلافات ناشی از ارتکاب جرم، آغاز می شود،^{۲۳} با تأکید بر خسارت زدایی از زیان دیده و مسئولیت پذیر کردن طفل بزهکار، صرفاً خواهان جبران و احیای روابط مختل شده میان بزهکار و بزه دیده است. می توان گفت برنامه نشست، که با ایجاد فضایی غیر قضایی موجب می شود اطفال و نوجوانان با حمایت موثر اعضای خانواده و به دور از فضای رسمی و اتهام زننده، هیجانات و علل ارتکاب جرم را به روشنی تبیین نمایند، از برنامه میانجی گری کیفری که اصولاً فرایندی سه جانبه بوده و امکان مشارکت اعضای جامعه کمتر است، برتری داشته و لازم است نظام قانونگذاری نیز همانند نظام های حقوقی نیوزلند و استرالیا با ایجاد مقررات جدید، سایر روشهای عدالت ترمیمی از جمله نشستهای خانوادگی را در تمامی جرایم اطفال و نوجوانان پیش بینی نماید تا امکان مشارکت بیشتر اعضای جامعه محلی به ویژه در جرایم ارتكابی این افراد که نیازمند حمایت و مساعدت بیشتری هستند، فراهم آید.

۲-۲-۲- اختیار مقام قضائی در تعیین روش آزادی با مراقبت

در نظام حقوقی ایران با استناد به بند ۱ تبصره ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی در صورت تسلیم به والدین اختیاری بوده و نظارت مددکاران اجتماعی بر خانواده طفل یا نوجوان وابسته به نظر مقام قضائی است.

۱- برخلاف این رویکرد کلی نگر و درعین حال محدودیت گرای قانونگذار ایران، در بسیاری از نظام های حقوقی دیگر، اتخاذ سیاست جنایی افتراقی و اعمال اصول عدالت ترمیمی در رابطه با اطفال و نوجوانان بزهکار موجب گردیده که احاله پرونده کیفری آنان به فرایند میانجی گری، محدود به جرایم خفیف نگردیده و جرایم نسبتاً شدید این افراد نیز قابل ارجاع به فرایند ترمیمی باشد. برای مثال، «در نظام حقوقی نیوزلند، به موجب «قانون کودکان، اشخاص نوجوان و خانواده های آنها» ۱۹۸۹ میانجی گری کیفری در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار حتی در جرایم شدید از قبیل تجاوزات جنسی، شروع به قتل عمد و سرقت مسلحانه به صورت اجباری پذیرفته شده است.» ر.ک: عباسی، مصطفی، افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری، انتشارات دانشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰؛

Morris, Allison & Maxwell, Gabrielle, **Restorative Justice in New Zealand: Family Group Conferences as a Case Study**, Western Criminology Review, 1998, p.12.

۲- لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ۱۳۸۳، حقوق کیفری ماهوی و تشکیلات قضائی ویژه ای در قبال بزهکاری صغار اتخاذ نموده بود. لیکن عدم تصویب نهائی این لایحه در مجلس شورای اسلامی، اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی در مورد بزهکاری کودک و نوجوان را با مشکل مواجه نمود.

۱۹- Criminal Mediation

۲۰- Family Group Conferencing

۲۱- Reintegrative shaming theory

۲۲- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۱، ص ۸۰.

۲۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میانجی گری کیفری: جلوه ای از عدالت ترمیمی، دیپاچه بر کتاب افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری، انتشارات دانشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

علاوه بر ایراد ناظر بر الزامی نبودن انجام تعهدات موضوع ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، یکی از موانع اجرای کارآمد و موثر تصمیمات قضائی، فقدان ضمانت اجرا در صورت عدم ایفای تعهدات والدین به تأدیب و تربیت و انجام دادن تعهدات موضوع تبصره این ماده است. دوگانگی ناشی از عدم ایفای تعهد توسط اطفال و نوجوانان و والدین به این ابهام افزوده است. براساس متن قانون، ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد و ارتکاب جرم به وسیله طفل یا نوجوان بزهکار، تشدید نوع تصمیم اتخاذی در مرحله بعدی از طریق دادگاه است. این در حالی است که برای والدین و سرپرست قانونی که به عنوان یکی از ارکان تأثیر گذار در الگوپذیری طفل و نوجوان تلقی می شوند، در قبال عدم انجام تعهدات تربیتی خود، هیچ گونه ضمانت اجرای خاصی پیش بینی نشده است. مسئول قلمداد کردن والدین، با یادآوری مسئولیت و واداشتن این افراد به انجام وظایف خود در قبال فرزندان از طریق برخی دستورات موجبات جلوگیری از تکرار جرم را نیز فراهم می نماید. از همین رو است که «در قوانین کیفری فرانسه بر اساس قانون ۲۵ اوت ۱۹۹۲ و ماده ۲۶ قانون ۲ فوریه ۱۹۴۵ قاضی اطفال ملزم گردیده تا در صورت اجرای روش آزادی با مراقبت و قصور والدین در اجرای وظایف نگهداری و تربیت، این افراد را به جریمه نقدی محکوم نماید»^{۳۴}. براین اساس، به منظور اجرای مناسب تر تعهد پدر و مادر به تربیت طفل یا نوجوان تعیین ضمانت اجرای ویژه از جمله جریمه نقدی یا محرومیت از برخی حقوق اجتماعی برای این افراد در قوانین کیفری لازم به نظر می رسد. به موجب این روش مراقبتی که در حقوق کیفری فرانسه به موجب قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۲^{۳۵} و بند ۴ ماده ۸ قانون ۲۵ اوت ۱۹۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است، در صورت سپردن طفل به یک شخص یا موسسه، تربیت مستمر بر رفتار این فرد از طرف نماینده دادگاه (مددکار اجتماعی یا ناظر) قابل کنترل است. الزام مقام قضایی به تعیین مددکار اجتماعی ضمن راهنمایی و هدایت طفل و خانواده وی، موجب آگاهی مراجع قضایی از وضعیت طفل و نوجوان و تغییر در تصمیم قضایی گردیده و به ابقاء رابطه میان مرجع قضائی تصمیم گیرنده و طفل یا نوجوان می انجامد. این روش افزون بر آن که، باعث ایجاد انقطاع در امر آموزش و پرورش کودک نشده و به جهت اعمال فشار حقیقی والدین و سایر افراد موجب دقت بیشتر کودک در اصلاح رفتار خود خواهد شد، با ارائه گزارش مستمر از سوی مددکار اجتماعی می تواند ضمن جلوگیری از تکرار جرم موجبات صیانت بیشتر طفل، خانواده و جامعه را نیز فراهم نماید.^{۳۶} انجام اقدامات یا دستورات تکمیلی مذکور در بند (الف) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مثل معرفی به مددکار اجتماعی، برای والدین و سرپرست قانونی که طفل به آنها تسلیم می شود، اختیاری بوده و به نظر حاکم بستگی دارد. در صورتی که انجام این دستورات برای اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر که طفل به آنها تسلیم می شود، الزامی است. تعارض ناشی از عدم الزام مقام قضائی در استفاده از روش آزادی با مراقبت در صورت سپردن به والدین و الزام قاضی در اجرای این روش در صورت سپردن به شخص واجد صلاحیت به استناد بند (ب) ماده مذکور با فلسفه وجودی و ماهیت این روش مراقبتی که صرف نظر از سپردن طفل به خانواده یا شخص واجد صلاحیت دیگر مستلزم مراقبت مداوم از کودک است، مغایرت دارد و لذا بهتر است به منظور تعارض زدایی، انسجام گرایی قانون و هماهنگی با مقررات بین المللی استفاده از این روش چه در صورت تسلیم به خانواده و چه در صورت تسلیم به شخص حقیقی یا حقوقی واجد صلاحیت الزامی گردد.^{۳۷}

۲-۳- عدم جامعیت تدابیر موضوع ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی

۳۴ - بی نا، مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار در اروپا، مجله قضاوت، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۸۷، ص ۶۱؛ دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲.

۳۵ - استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه ی حسن دادبان، جلد اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۵۴۲.

۳۶ - نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی و مقررات داخلی و اسناد بین المللی، آموزش و سنجش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۱.

۳۷ - به موجب بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، و بند (الف) ماده ۱-۱۸ (مقررات پکن) ۱۹۹۰ احکام مراقبتی، ارشادی و نظارتی به عنوان یکی از روش های اصلی پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان شناخته شده که به منظور اجتناب از فرستادن این افراد به موسسات سلب آزادی در اختیار مراجع ذی صلاح قرار گرفته است.

پس از گذر از سن ۱۵ سال تا رسیدن به سن ۱۸ سال، دختران و پسرانی که مرتکب جرم تعزیری شوند، مشمول ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هستند. قانونگذار در این ماده، ضمانت‌اجراهای خاصی برای این گروه سنی پیش بینی کرده و آنها را تابع نظامی متفاوت از افراد بالای ۱۸ سال قرار داده است. نگهداری در خانه در ساعات معین، ارائه خدمات عمومی و جزای نقدی انواع تادیب‌ری است که در مورد این گروه سنی پیش بینی شده است. هرچند قانونگذار به استناد بند (الف) ماده ۸۹ در صورت ارتکاب جرم تعزیری درجه یک تا سه از سوی افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله نگهداری در کانون به مدت ۲ تا ۵ سال را جایگزین حبس تعزیری درجه یک تا سه (حبس) بیش از ده سال تا حبس ابد) کرده است که در واقع نشان دهنده رویکردانی قانون از سیاست سزادهنده و توجه به رویکرد اصلاحی و بازپروری در مورد این گروه سنی است، اما عدم امکان تسری تادیب موضوع ماده ۸۸ قانون به جرائم سبک گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال (جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸) این افراد از موارد مبهمی است که با هدف مقنن مبنی بر دست یابی همه جانبه به پاسخی فایده‌گرا و بازپرورانه در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار مغایرت دارد. در قوانین کیفری پیش از انقلاب اسلامی با پذیرش سیاست کیفری افتراقی در حوزه حقوق کیفری ماهوی اطفال و نوجوانان، این امکان برای قاضی وجود داشت که قلمرو پاسخ‌های غیر کیفری را نسبت به تمامی افراد زیر ۱۸ سال گسترش دهد. مطابق مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸ و ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ واکنش‌های حمایتی غیرسالب آزادی از جمله تسلیم به اولیاء یا سرپرست و سرزنش و نصیحت قضائی نسبت به همه افراد زیر ۱۸ سال قابلیت اعمال داشت^{۲۸} و مقام قضائی می‌توانست طبق صلاحدید قضائی و کیفری از این شیوه برای پاسخ‌دهی به اطفال بزهکار زیر ۱۸ سال بهره‌گیرد. در حالی که بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قلمرو اعمال این تادیب غیر کیفری نسبت به قانون ۱۳۳۸ محدودتر شده و صرفاً افراد ۹ تا ۱۵ سال، تابع پاسخ‌های غیر کیفری نظارتی قرار می‌گیرند. تعیین جزای نقدی و انجام کارهای عام‌المنفعه با وضعیت جسمی و روحی و شخصیتی صغار که پاسخ‌های کیفری در مورد آنها باید به منظور اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیتی و رفتاری آنان باشد، تناسب ندارد. بر این اساس، لازم است قانونگذار با توجه به «میان‌ی واکنش‌های اجتماعی نسبت به اطفال و نوجوانان معارض قانون که دارای ماهیتی حمایتی - تربیتی می‌باشند»^{۲۹} امکان اعمال سایر تادیب‌های اصلاحی و تربیتی موضوع تبصره ماده ۸۸ قانون، را به مرتکبین جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که اکثر جرائم صغار را تشکیل می‌دهند، نیز تسری داده و دست قاضی را برای صدور حکم مناسب باز گذارد.

نتیجه‌گیری :

گرایش بسیاری از نظام‌های حقوقی و بین‌المللی به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی و بینابینی موجبات تأثیر پذیری سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار را فراهم نموده و قانونگذاران داخلی را به سوی اتخاذ یک رویکرد افتراقی در زمینه مسئولیت کیفری و پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان سوق داده است. یکی از تغییرات شایان توجه در باب مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از بین بردن تفاوت حداقل سن مسئولیت کیفری بین دختران و پسران و قرار دادن سن بلوغ کیفری در جرائم تعزیری در سطح ۱۸ سال است که باعث تدریجی شدن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان گردیده و همسویی مطلوبی بین مقررات این قانون و معیارهای بین‌المللی در حوزه جرائم تعزیری کودکان و نوجوانان به وجود

۱- به موجب ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸، اطفال تا شش سال تمام قابل تعقیب کیفری نبودند. مقام قضائی می‌توانست بر پایه بند ۱ ماده ۱۷ اقدامات غیر کیفری غیر سالب آزادی شامل تسلیم به اولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل را نسبت به افراد ۶ تا ۱۲ سال و تسلیم به اولیاء یا سرپرست و یا نصیحت و سرزنش قضائی را به موجب بند ۱ و ۲ ماده ۱۸ نسبت به افراد ۱۲ تا ۱۸ ساله اعمال نماید.

۲- مؤذن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی، در: مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲.

آورده است. مقررات قانون مذکور علی رغم جامعیت نسبی آن در خصوص مسئولیت کیفری و پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در جرائم تعزیری، در بخشی از موارد راجع به واکنش های اجتماعی اطفال و نوجوانان و تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری از دست یابی همه جانبه به رویکرد افتراقی و ویژه در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ناظر به اطفال و نوجوانان فاصله گرفته است. سکوت قانونگذار در تعیین تدابیر مناسب غیر کیفری برای افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری یکی از این موارد است. با مطالعه جنبه های مختلف امکان اعمال تدابیر غیر کیفری بر افراد زیر سن مسئولیت کیفری از جمله امکان شمول قوانین حمایتی جزایی بر افراد زیر شروع سن مسئولیت کیفری بر مبنای نظریه اهلیت جنایی، می توان به این نتیجه دست یافت که امکان اتخاذ تدابیر حمایتی غیر کیفری بر افراد زیر حداقل سن مسئولیت کیفری هیچ گونه تداخلی با اصل پذیرش مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری ندارد. افزون بر این، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ علی رغم این که با تنوع بخشی واکنش های اجتماعی به تناسب نوع جرم، به سمت رویکرد فایده گرایانه و با اجتماعی کننده پیش رفته است اما عدم پیش بینی برخی پاسخ های حمایتی و عدم جامعیت ضمانت اجراهای غیرسالب آزادی به تمامی افراد زیر ۱۸ سال در این قانون از جمله موارد مبهم ناظر بر اتخاذ واکنش های مناسب تربیتی در قبال این افراد است. بر این اساس، در راستای دست یابی به رویکرد افتراقی همه جانبه در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان پیشنهاد می شود که قانون گذار با فراگیر نمودن پاسخ های ترمیمی به تمامی جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان و به رسمیت شناختن برنامه ها و پاسخ های مختلف ترمیمی از جمله نشست های گروهی خانوادگی همانند ماده ۱۶ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان ۱۳۸۳ استفاده از واکنش های اجتماعی ترمیمی را جزء جدایی ناپذیر نظام پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان قرار دهد. از سوی دیگر الزام مقام قضایی به تعیین مددکار اجتماعی در صورت تسلیم طفل یا نوجوان به خانواده با تعیین ضمانت اجرای مناسب در صورت عدم ایفای تعهد والدین و افزایش گستره تدابیر موضوع ماده ۸۹ به صورت مختلف از جمله پیش بینی تصمیمات قضایی غیر کیفری ماده ۸۸ در خصوص جرائم تعزیری سبک نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال علاوه بر این که موجبات آگاهی رفتار اطفال و نحوه برخورد والدین با این افراد را در محیط آزاد مورد نظارت قرار داده و روند بازپذیری و انطباق پذیری مجدد اجتماعی را تسهیل می نماید، موجبات توسعه قلمرو پاسخ های غیر کیفری نسبت به تمامی افراد زیر ۱۸ سال را فراهم می کند.

منابع و مأخذ:

فارسی:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۳.
- ۲- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه ی حسن دادبان، جلد اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۳- بی نا، مجازات های جایگزین زندان برای اطفال بزهکار در اروپا، مجله قضاوت، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۸۷، ص ۶۵-۶۰.
- ۴- تدین، عباس، سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنش های اجتماعی در برابر بزهکاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران، در: مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی و کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، معاونت آموزش، پلیس پیشگیری و معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۵- جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲-۶۲.
- ۶- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۷- عباسی کلیمانی، عاطفه، حقوق کودک در نظام حقوقی ایران، میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۸- عباسی، مصطفی، افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری، انتشارات دانشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۹- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی (جرم و مسئولیت)، جلد اول، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۱۰- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

- ۱۱- کاستلند، ژوسلین، مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، در: مجموعه مقالات همایش حقوق اطفال، ترجمه ی شهرام ابراهیمی، انتشارات سنا، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۲- لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۳- معاونت حقوقی قوه قضاییه، گزیده اسناد بین المللی حقوق کودک، ترجمه ی وحید هدایتی، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ۱۴- موذن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش های اجتماعی، در: مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.
- ۱۵- موسوی بجنوردی، محمد و دیگران، مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک، نامه الهیات، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲-۱۱۱.
- ۱۶- میرسعیدی، منصور، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، جلد اول، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میانجی گری کیفری: جلوه ای از عدالت ترمیمی، دیپاچه بر کتاب افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری، انتشارات دانشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۸- نجفی توانا، علی، جرم شناسی، آموزش و سنجش، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۲.
- ۱۹- نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی و مقررات داخلی و اسناد بین المللی، آموزش و سنجش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۲۰- نیازپور، امیرحسن، گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷.

لاتین:

1. Cipriani, Don, **Children is Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility: A Global Perspective**, Ash gate Publishing Limited, London, 2009, p.14.
2. French legal system, **Juvenile delinquents**, Ministry of Justice, 2012, p. 11.
3. Morris, Allison & Maxwell, Gabrielle, **Restorative Justice in New Zealand: Family Group Conferences as a Case Study**, Western Criminology Review, 1998, p.12.
4. Urbas, Gregor, **the age of criminal responsibility**, Australian Institute Of Criminology, 2000, pp.2- 6.